

## واکاوای نهادی سرمایه اجتماعی زنان و تأثیر آن در انتخابات مجلس شورای اسلامی لیلا سنگی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰



### چکیده:

سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از مفاهیمی چون اعتماد، هنجارها، روابط و شبکه‌هاست که باعث ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه بین اعضای یک جامعه می‌شود و در نهایت منافع متقابل افراد جامعه را تامین خواهد کرد. نهادگرایان از عوامل نهادی نظیر سنت‌ها، آداب و رسوم، فرهنگ و مذهب تحت عنوان قیود غیر رسمی و به عنوان عوامل تأثیرگذار بر ادراک فرد نام می‌برند که این پارامترها در ایجاد سرمایه اجتماعی افراد نقش آفرینی می‌کنند. نهادها به مثابه قواعد بازی در یک ساختار سیاسی-اجتماعی هستند و بستر نهادی شامل هر دو بخش نهادهای رسمی و نهادهای غیر رسمی است که قواعد اخلاقی و هنجارهای ارزشی، مجموع باورها و اعتقاداتی که رفتار انسانی را تنظیم می‌کند، را در بر می‌گیرد. رویکرد نهادگرایی به سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر وابسته توجه دارد. با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته رابطه معناداری میان سرمایه اجتماعی و افزایش میزان مشارکت سیاسی در جوامع مختلف وجود دارد. به هر میزان سرمایه اجتماعی افراد افزایش یابد از شانس بالاتری برای حضور در ساختار قدرت برخوردار خواهند شد. در اینجا تلاش می‌گردد تا رابطه میان سرمایه اجتماعی زنان و حضور آنان در مجلس شورای اسلامی مورد تبیین قرار گیرد.

**واژگان اصلی:** سرمایه اجتماعی، زنان، مشارکت، مجلس شورای اسلامی، ایران.

## مقدمه

هسته مفهوم توانمندسازی زنان در توانایی آنان برای مشارکت در اداره سرنوشت خودشان قرار دارد. این مسأله علاوه بر برخورداری از توان نقش‌آفرینی، بر دسترسی به همه منابع و فرصت‌ها دلالت دارد و لازمه آن، دسترسی برابر به فرصت‌ها، منابع، امنیت و ایجاد جامعه‌ای که همه افراد در آن بتوانند به شکل مساوی زندگی رضایت‌مندانه‌ای داشته باشند، است. بنابراین، تلاش برای افزایش حضور زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و دسترسی بیشتر آنان به انواع سرمایه با هدف ارتقا مشارکت زنان در این برنامه می‌گنجد. مطالعات انجام گرفته بیان‌گر آن است که همبستگی زیادی بین مشارکت مدنی و اثربخشی سرمایه اجتماعی وجود دارد. سرمایه اجتماعی حلقه مفقوده دستیابی به توسعه پایدار در جوامع در حال توسعه است. شواهدی وجود دارد مبنی بر این‌که سرمایه اجتماعی می‌تواند با کاهش فقر و زمینه‌سازی رشد و مساوات بر نتایج توسعه پایدار تأثیر گذارد. سرمایه اجتماعی همراه با سایر اشکال سرمایه؛ اقتصادی، انسانی و فرهنگی، ورودی فرآیند توسعه است (هابز، ۱۳۸۷: ۱۲-۱۰).

بر اساس نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر، رابطه مثبتی بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان وجود دارد. همچنین بین سرمایه اجتماعی و مشارکت زنان همبستگی وجود دارد. رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی و یا ارتباط بین شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی به شکلی مستقیم نیست. اعتماد نه تنها به شکلی مستقیم بر روی انواع خاصی از مشارکت سیاسی اعمال تأثیر می‌نماید، بلکه به طور غیر مستقیم نیز از طریق تسهیل انتقال منابع شبکه‌های اجتماعی و کمک به ایجاد هنجارهای روابط متقابل و تعهد مشترک در درون سازمان‌های داوطلبانه بر مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارد.

سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از مفاهیمی چون اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که باعث ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه بین اعضای یک جامعه می‌شود و در نهایت منافع متقابل آن‌ها را تامین خواهد کرد. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از روابط فعال در بین افراد، اعتماد، فهم متقابل، ارزش‌ها و رفتارهای مشترک است که اعضای شبکه‌ها و اجتماعات انسانی را به هم پیوند می‌دهد و همکاری میان آن‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد. از منظر بورديو سرمایه اجتماعی «مجموعه‌ای از منابع موجود یا بالقوه است که منتج از یک شبکه بادوام متشکل از آشنایی و شناخت دوطرفه، یا به بیانی دیگر، ناشی از عضویت در یک گروه است» (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷: ۳۹۲). پس سرمایه اجتماعی از دو بعد تشکیل شده است:

## ۱- شبکه‌ها و ارتباطات (روابط اجتماعی)

## ۲- جامعه پذیری

بوردیو در سرمایه اجتماعی به سرمایه‌گذاری افراد در شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد. در این تعریف سرمایه اجتماعی یک کالای خصوصی است که می‌تواند به سرمایه فرهنگی، ثروت واقعی یا «سرمایه نمادین» که نمایان‌گر جایگاه اجتماعی است، تبدیل شود (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷: ۳۹۳). میزان بهره‌مندی افراد از سرمایه اجتماعی، تعیین‌کننده بخش بسیار مهمی از قدرت و جایگاه آن فرد در جامعه است. بنابر تعریف فرانسویس فوکویاما، سرمایه اجتماعی هنجارها یا ارزش‌های به اشتراک گذاشته شده‌ای است که موجب تقویت همکاری اجتماعی بر اساس روابط اجتماعی واقعی می‌شود. همچنین رابرت پاتنام سرمایه اجتماعی را تقویت‌کننده همکاری و به‌طور هم‌زمان گسترش‌دهنده روابط حمایتی دوجانبه در اجتماعات می‌داند. با توجه به این تعاریف، سرمایه اجتماعی ابزاری بسیار ارزشمند برای مبارزه با آسیب‌ها و نارسایی‌های اجتماعی در جوامع مدرن است. مطابق نظر پاتنام (۱۹۹۳) سرمایه اجتماعی به شکل یک پدیده فرهنگی تعریف می‌شود که میزان تمایل به فعالیت مدنی در اعضای جامعه، وجود هنجارهای اجتماعی اشاعه‌دهنده کنش جمعی و میزان اعتماد به نهادهای عمومی را در برمی‌گیرد. بر طبق نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی از ویژگی‌های کالای عمومی<sup>۱</sup> برخوردار است. تعاریف گوناگون از سرمایه اجتماعی، آن را «مفهومی چند بعدی» نموده و تعیین شاخص‌هایی برای سنجش سرمایه اجتماعی را دشوار می‌سازد. نقطه کانونی و مشترک تمام تعاریف سرمایه اجتماعی در هنجارها، اعتماد و بده‌بستان در روابط اجتماعی است (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷: ۳۹۶-۳۹۴).

بر اساس نظر رابرت پاتنام، سرمایه اجتماعی به صورت یک پدیده فرهنگی تعریف می‌شود که میزان ذهنیت مدنی اعضای جامعه، وجود هنجارهای اجتماعی اشاعه‌دهنده کنش جمعی و میزان اعتماد به نهادهای عمومی را در برمی‌گیرد. در مدل دموکراسی فعال پاتنام، بازخورد سازنده‌ای میان احساس وظیفه مدنی افراد، مشارکت آن‌ها در زندگی اجتماعی و کارآمدی سازوکارهای نهادی موجود وجود دارد. ضمن این‌که مشارکت مدنی افراد تبعیت از قوانین رسمی موجود در جامعه را تقویت می‌کند و میزان پاسخگویی حکومت به شهروندان

1. Public goods

را افزایش می‌دهد. از این رو رابطه متقابل و دیالکتیکی، میان سرمایه اجتماعی و نهادها در تقویت یکدیگر وجود دارد (ریزر و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۷۹-۱۷۶).

نهادگرایی به عنوان چارچوب تحلیل نقش و جایگاه سرمایه اجتماعی در حضور زنان در مجلس شورای اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. بستر نهادی عامل تعیین کننده ساختار حقوق مالکیت، ساختار توزیع درآمد و رانت است. مهمترین مسئله در بستر نهادی، کارآیی نهادی است. مسئله کارآیی نهادی مسئله مهم در ثبات و استمرار نهادی است. در واقع عدم کارآیی و بی ثباتی بستر نهادی، ناکارآمدی، بی ثباتی و عدم اطمینان را به کل نظام اقتصادی و سیاسی اشاعه می‌دهد و رکود و زوال نظام را در سیر فرایند تاریخی در پی دارد. اما در صورت پایداری، کارآیی در سطح نهادی، ثبات و کارآمدی در کل نظام اقتصادی - سیاسی اشاعه خواهد یافت و موجب تخصیص بهینه منابع و توزیع بهینه درآمد، ثروت و فرصت‌های بالقوه کسب منفعت در کل نظام می‌گردد به گونه‌ای که تضمین کننده رشد، توسعه و رفاه اقتصادی یک جامعه خواهد بود (زمانزاده نصرآبادی، ۱۳۸۷: ۴۸). نهادگرایی یک نظریه تحول اجتماعی یا کنترل اجتماعی است. نوعی جهت‌گیری فعال به سمت نهادهای اجتماعی از طریق تمرکز بر تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی و فرایندهای تحول نهادی و یا به عبارتی دیگر نوعی تمرکز بر شکل‌گیری و کارکرد نهادها به عنوان دلیل و پیامد ساختار قدرت و رفتار اجتماعی شده افراد و گروه‌ها و به عنوان شیوه‌ای است که اقتصادها از طریق آن سازماندهی شده و کنترل می‌شوند.

نهادگرایان از عوامل نهادی نظیر سنت‌ها، آداب و رسوم، فرهنگ و مذهب تحت عنوان قیود غیر رسمی و به عنوان عوامل تأثیرگذار بر ادراک فرد نام می‌برند، از این رو مطالعات بین رشته‌ای از قبیل اقتصاد اجتماعی، جامعه‌شناسی سیاسی، انسان‌شناسی اقتصادی و جامعه‌شناسی بیولوژیکی را ضروری می‌دانند. محور اساسی چارچوب نهادی - ساختاری، بستر نهادی است. نهادها به مثابه قواعد بازی در یک نظام اقتصادی - سیاسی هستند و بستر نهادی شامل هر دو بخش نهادهای رسمی (قوانین اساسی تعیین کننده ساختار اساسی حقوق مالکیت، توزیع رانت و هدایت کننده سازمان دولت است و قواعد عملیاتی که قوانین تجارت و قراردادهاست) و نهادهای غیر رسمی که قواعد اخلاقی و هنجارهای ارزشی، مجموع باورها و اعتقاداتی که رفتار انسانی را تنظیم می‌کند، را در بر می‌گیرد (احدی فر، ۱۳۷۴: ۶۳). رویکرد نهادگرایی به سرمایه اجتماعی به عنوان

متغیر وابسته توجه دارد. در این رویکرد اولین بار ناک و کیفر (۱۹۹۵-۱۹۹۷) بیان نمودند که سرمایه اجتماعی با کیفیت نهادهای سیاسی، حقوقی و اقتصادی جامعه برابر است (همس و تونیکس، ۱۳۸۷: ۱۰۴). سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از موهبت‌ها و امتیازات اجتماعی است که ابعاد و مؤلفه‌های فراوانی دارد و متناسب با فرهنگ بومی یا ملی هر جامعه‌ای، به تسهیل و تشدید همگرایی میان افراد و گروه‌های آن جامعه می‌انجامد و افراد و گروه‌ها را قادر می‌سازد تا با یکدیگر کار کنند. از جمله مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی می‌توان «ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، اعتماد، مهرورزی، صداقت، درک متقابل، تفاهم، تساهل، ارتباطات، همکاری، مشارکت، تعهد، مسئولیت‌پذیری، برادری، روحیه کارگروهي و احساس هویت جمعی» را نام برده به بیان بهتر، هرچه سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از ارکان توسعه در یک جامعه بیشتر باشد مؤلفه‌های فوق در آن جامعه، بیشتر به چشم خواهد آمد و چرخ بهره‌وری در آن جامعه، با سرعت و کیفیت مطلوب‌تری حرکت خواهد کرد.

مطالعات نشان داده، در جوامعی که افراد، مورد اعتماد یکدیگر باشند و در محیط پیرامونی خود، فعلاًنه با یکدیگر به تعامل و مشارکت پردازند، هزینه‌های کسب‌وکار، تجارت و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی کمتر شده و انتقال دانش و آگاهی از فردی به فرد دیگر آسان‌تر صورت می‌گیرد. سرمایه اجتماعی به مثابه نوعی روغن اجتماعی است که در مناسبات بین افراد، ایفای نقش می‌کند؛ یعنی در عین تسهیل‌کنندگی مناسبات، چسبندگی هم ایجاد می‌کند؛ به عبارتی هم چسب اجتماعی است و هم روغن اجتماعی. بنابراین سرمایه اجتماعی بستر و فضایی است که تعامل نیروهای انسانی و استفاده این نیروها از سرمایه مادی را تسهیل و کم‌هزینه می‌کند. سرمایه اجتماعی، منبع اصلی شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی است و بدون حضور سرمایه اجتماعی هیچ گروهی شکل نمی‌گیرد. از دیدگاه «پی‌یر بوردیو»، سرمایه اجتماعی، جمع منابع واقعی و بالقوه‌ای است که محصول شبکه‌ای بادوام از روابط نسبتاً نهادینه شده مبتنی بر شناخت متقابل است. شبکه‌ای که اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق «اعتبار» می‌سازد. گفته می‌شود نخستین تحلیل منظم از سرمایه اجتماعی بوسیله «بوردیو» صورت گرفته است. این تحلیل از قوی‌ترین تحلیل‌هایی است که مفهوم سرمایه اجتماعی را در گفتمان جامعه‌شناسی معاصر وارد کرده است. از نظر بوردیو، عضویت در یک گروه باعث می‌شود هر یک از اعضا، از پشتیبانی

سرمایه جمعی برخوردار شوند؛ عضویتی که آنان را سزاوار «اعتبار» به معانی مختلف کلمه می‌کند و این «اعتبار» به مثابه یک حساب مشترک، برای اعضای آن گروه قابل برداشت است. مفهوم «مشارکت»، قدمتی به درازای تاریخ زندگی اجتماعی بشر دارد که در طول حیات خود، روند تکامل و دگرگونی را پشت سر گذاشته و به اقتضای شرایط زمانی و مکانی، تعاریف مختلفی به خود دیده است. نتیجه پژوهش‌هایی که پیرامون سرمایه اجتماعی صورت گرفته، حاکی از اهمیت ویژه اعتماد و مشارکت به عنوان یکی از ارکان مستقیم و غیرمستقیم سرمایه اجتماعی است (سنگی و فریدزاده، ۱۴۰۰: ۱۰۶-۱۰۲).

### بررسی وضعیت مشارکت زنان در مجلس شورای اسلامی

انقلاب اسلامی ایران را باید نقطه عطفی برای ورود همه طبقات اجتماعی زنان به عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و حرکت از حاشیه به متن جامعه دانست. حضور زنان با تفکر و سلیق مختلف مذهبی و سیاسی در رویدادهای سیاسی سال ۱۳۵۷ و شرکت آنان در مبارزات سیاسی و حتی نظامی که آگاهانه و داوطلبانه صورت گرفته است، امری بی سابقه در طول حیات سیاسی و تاریخ ایران می‌باشد. در تحولات سیاسی و اجتماعی پیش از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، حضور زنان یا متأثر از خواست مردان بوده و یا منحصر به تعداد اندکی از زنان مرفه و یا تحصیل کرده وابسته به طبقات بالای اجتماعی در شهرهای بزرگ بوده و از دهه ۴۰ در دوره پهلوی دوم هم این حضور به صورت متداول بنا به خواست حکومت برای مقاصد ویژه ای بوده است؛ ولی در پروسه پیروزی انقلاب اسلامی ایران، زنان از همه طیف‌های اجتماعی یعنی از طبقات پایین جامعه، طبقه متوسط و حتی از طبقات مرفه و نیز از اقشار بی‌سواد، باسواد و حتی تحصیل کرده جامعه هم حضوری خودخواسته و خودجوش داشته‌اند. این حضور پر رنگ زنان در صحنه سیاسی در سایه فتوایی اتفاق افتاد که امام خمینی (ره) بر اساس آن، حضور زنان را در عرصه‌های سیاسی، امری مشروع و تکلیفی ضروری اعلام کردند. نفس حضور زنان از یک سو و تأثیرگذاری این حضور چشم‌گیر به حدی بود که رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، این انقلاب عظیم را مدیون حضور زنان دانستند (بقائی و حق‌شناس، ۱۳۹۵: ۷۹).

مجموعه نظراتی که امام خمینی در بحبوحه پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی درباره زنان ابراز نمودند، همگی بر تساوی حقوق زنان و مردان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی تأکید دارد. ایشان مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان را مطابق قوانین اسلام اعلام نمودند و زنان را تشویق به حضور حداکثری در انتخابات و مشارکت در توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نمودند. امام خمینی در مصاحبه خود به تاریخ ۳ بهمن ۱۳۵۷ با روزنامه اطلاعات بیان می‌دارند: «زنان همچون مردان در ساختمان جامعه اسلامی فردا شرکت دارند، آنان از حق رأی دادن و گرفتن برخوردارند» (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳: ۶۶). همچنین در جایی دیگر فرمودند: «زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن آنان به دانشگاه و ادارات و مجلسین، به هیچ وجه جلوگیری نمی‌شود. از چیزی که جلوگیری می‌شود فساد اخلاقی است که مرد و زن نسبت به آن مساوی هستند و برای هر دو حرام است» (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۱: ۳۹).

با توجه به این دیدگاه‌ها و نیز حضور پرشور و فداکاری‌های زنان در فرایند انقلاب اسلامی و مشارکت گسترده آنان در همه‌پرسی تعیین نوع نظام سیاسی ایران، زمینه‌های قانونی مشارکت زنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فراهم گردید. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به فداکاری‌های زنان در فرایند شکل‌گیری و تداوم نهضت اسلامی و پیروزی انقلاب اسلامی و نیز حضور گسترده و فعال زنان در کلیه مراحل مبارزه، توجه داشته و به این نکته اشاره می‌کند که زنان به شکل بارزی در تمامی صحنه‌های انقلاب حضور گسترده و چشم‌گیری داشته‌اند.

اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همه افراد ملت اعم از زن و مرد را به یکسان در حمایت قانون قرار می‌دهد و تأکید می‌کند که همگان از کلیه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردار هستند (محمدی-نژاد، ۱۳۹۲: ۳۵). اصل بیست و یک قانون اساسی به صورت ویژه به زنان پرداخته و دولت را موظف کرده است تا حقوق زنان را در تمام جهات طبق موازین اسلامی تضمین نماید حقوقی چون ایجاد زمینه‌های لازم برای رشد شخصیت زن و احیاء حقوق مادی و معنوی او، حمایت از مادران به خصوص در دوران بارداری و سرپرستی کودکان، ایجاد زمینه حضانت از فرزندان و ایجاد بیمه خاص برای زنان بیوه، سالخورده و بی‌سرپرست (محمدی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۳۵). موارد

اشاره شده بیان‌گر نقش و جایگاه زنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. به منظور آشنایی با نقش و جایگاه زنان در قوه مقننه، وضعیت مشارکت زنان در ادوار مجلس شورای اسلامی؛ که یکی از شاخص‌های دموکراتیک جوامع در مشارکت دادن مردم است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این راستا، نتایج انتخابات یازده دوره مجلس شورای اسلامی را از منظر حضور بانوان مورد بررسی قرار می‌دهیم. طی ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی مسئله تعداد حضور نمایندگان زن یکی از آمارهای حساسیت برانگیز خصوصاً در ابتدای شروع به کار مجالس است. مؤلفه‌ای که تأثیر عمیق و به سزایی در دیده شدن نیازها، مشکلات و مطالبات نیمی از جامعه دارد که معمولاً از نگاه نمایندگان مرد مورد غفلت قرار می‌گیرد. رکورد حضور زنان در مجالس شورای اسلامی، متعلق به دهمین دوره با حضور ۱۷ نماینده خانم از نقاط مختلف کشور است. البته در تمام ادوار مجالس شورای اسلامی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره شاهد حضور زنان در میان نمایندگان منتخب مردم بوده‌ایم، اما کمیت حضور این زنان از حداقل ۴ نفر در سه دوره ابتدایی مجلس آغاز می‌شود و با رشدی قابل توجه در دهمین دوره به ۱۷ نفر می‌رسد.

افزایش چشم‌گیر سطح تحصیلات دانشگاهی بانوان طی چهار دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین رشد محسوس حضور مؤثر زنان در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از مهمترین عواملی هستند که انتظار افزایش سهم زنان از کرسی‌های نمایندگی مجلس شورای اسلامی را مبدل به امری بدیهی و منطقی می‌کند. انتظاری که از دوره پنجم مجلس به بعد، متناسب با وضعیت حضور زنان ایرانی در مناسبات مختلف، رشد نداشته است. در مجموع از اولین دوره مجلس شورای اسلامی که در خرداد ۱۳۵۹ تشکیل شد تا یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی که در خرداد ۱۳۹۹ شروع به کار نمود، تعداد ۷۷ زن به مجلس راه یافته‌اند. از تعداد کل نمایندگان زن در یازده دوره مجلس شورای اسلامی، دو نفر در چهار دوره، ده نفر در سه دوره، ده نفر در دو دوره و شصت نفر تنها در یک دوره از مجلس شورای اسلامی حضور داشته‌اند. بدین ترتیب ۷۷ زن در طی یازده دوره مجلس شورای اسلامی صاحب ۱۱۱ کرسی شده‌اند. در جدول شماره ۱ به تعداد نمایندگان زن از مجموع نمایندگان در ادوار مختلف مجلس اشاره شده است.



جدول شماره ۱- حضور زنان در ادوار مجلس شورای اسلامی

دوره مجلس شورای اسلامی	تعداد کل نمایندگان <sup>۱</sup>	تعداد منتخبین مرد	تعداد کاندیداهای زن تأیید صلاحیت شده <sup>۲</sup>	تعداد نمایندگان زن	درصد منتخبین زن از کل نمایندگان	تعداد نمایندگان زن تهران	درصد نمایندگان زن	تاریخ افتتاح و اختتام ادوار مجلس شورای اسلامی
اول	۳۲۸	۳۲۴	۹۰	۴	٪۱/۲	۴	٪۱۰۰	۱۳۵۹-۱۳۶۳
دوم	۳۷۵	۳۷۱	۳۲	۴	٪۱/۴	۴	٪۱۰۰	۱۳۶۳-۱۳۶۷
سوم	۳۷۸	۳۷۴	۴۷	۴	٪۱/۴	۴	٪۱۰۰	۱۳۶۷-۱۳۷۱
چهارم	۳۷۳	۳۶۴	۸۶	۹	٪۳/۲	۵	٪۵۵/۵	۱۳۷۱-۱۳۷۵
پنجم	۳۷۴	۳۶۰	۳۵۱	۱۴	٪۵/۱	۷	٪۵۰	۱۳۷۵-۱۳۷۹
ششم	۳۷۴	۳۶۱	۵۰۴	۱۳	٪۴/۷	۶	٪۴۶/۱	۱۳۷۹-۱۳۸۳
هفتم	۳۸۳	۳۷۰	۸۲۷	۱۳	٪۴/۵	۶	٪۴۶/۱	۱۳۸۳-۱۳۸۷
هشتم	۳۹۵	۳۸۷	۵۸۵	۸	٪۲/۷	۵	٪۶۲/۵	۱۳۸۷-۱۳۹۱
نهم	۳۹۰	۳۸۱	۳۹۰	۹	٪۳/۱	۴	٪۴۴/۴	۱۳۹۱-۱۳۹۵
دهم	۳۹۳	۳۷۶	۵۹۰	۱۷	٪۵/۸	۸	٪۴۷	۱۳۹۵-۱۳۹۹
یازدهم	۳۹۴	۳۷۸	۷۳۶	۱۶	٪۵/۴	۴	٪۲۵	۱۳۹۹-۱۴۰۳

### آشنایی با نمایندگان زن ادوار مجلس شورای اسلامی

#### - دوره اول مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۳-۱۳۵۹)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و برگزاری همه‌پرسی، اولین نماد حضور رسمی زنان در عرصه سیاسی کشور، شرکت در نخستین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی بود. مرحله اول این دوره از انتخابات در ۲۴ اسفندماه ۱۳۵۸ و مرحله دوم در ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ برگزار شد. زنان به صورت چشم‌گیری به پای صندوق‌های رأی رفتند و حدود ۹۰ نفر از زنان به عنوان کاندیدای انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی ثبت نام نمودند و در نهایت ۴ نفر از آنان توانستند به عنوان نماینده انتخاب و به مجلس شورای اسلامی راه یابند. پس از راه‌یابی زنان به اولین دوره مجلس شورای اسلامی، تعدادی از نمایندگان مرد از امام خمینی درخواست نمودند که نمایندگان زن اخراج شوند به این دلیل که امر وکالت زنان همانند قضاوت برای زنان مجاز و شرعی نیست. درخواست این نمایندگان با واکنش تند حضرت امام مواجه شد و ایشان این چنین اقدامات و خواسته‌ها را غیر شرعی عنوان فرموده و بر

<sup>۱</sup>. به نقل از صفحه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

<sup>۲</sup>. به نقل از صفحه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

ضرورت حضور زنان در عرصه‌های سرنوشت‌ساز کشور تأکید کردند (امیری، ۱۳۹۵: ۵۸). با حمایت‌های امام خمینی (ره) و بزرگان نظام جمهوری اسلامی که در رأس آن‌ها شهید آیت‌الله دکتر بهشتی و مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای قرار داشتند، بانوان توانستند به فعالیت در عرصه سیاسی و مدیریتی کشور ادامه دهند.

از مجموع ۳۲۸ نماینده منتخب اولین دوره مجلس شورای اسلامی، تنها ۴ نفر زن بودند که این تعداد هم با توجه به سابقه خانوادگی و مبارزاتی در طول سال‌های استقرار رژیم پهلوی از سرمایه اجتماعی لازم برخوردار بودند. خانم گوهرالشریعه دستغیب و خانم اعظم طالقانی، دختران دو تن از شخصیت‌های سیاسی و مبارز بودند که همین خود سبب شناخت جامعه از این دو بانو بود. خانم عاتقه صدیقی نیز همسر محمدعلی رجائی از مبارزان انقلابی و چهره‌های سیاسی بعد از انقلاب اسلامی بودند که بعد از شهادت همسرش؛ محمدعلی رجایی (رئیس‌جمهور) به عنوان نماینده به اولین دوره مجلس شورای اسلامی راه یافت. مریم بهروزی نیز از مبارزان انقلابی و مقلد امام خمینی (ره) بودند که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در عرصه سیاسی حضور فعالی داشتند. خانم بهروزی دبیرکل جامعه زینب بودند. هر چهار نماینده زن در اولین دوره، از حوزه انتخابیه تهران به مجلس شورای اسلامی راه یافتند.

#### - دوره دوم و سوم مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۱-۱۳۶۳)

در این دو دوره نیز همانند دوره اول مجلس شورای اسلامی تنها تعداد ۴ نفر از زنان توانستند به عنوان نماینده به مجلس راه پیدا نمایند. ۳ نفر از این زنان (مریم بهروزی، گوهر الشریعه دستغیب و عاتقه صدیقی) در دوره اول نیز نماینده بودند. تغییری که در ترکیب نمایندگان زن ایجاد شد راه‌یابی خانم مرضیه حدیدچی معروف به طاهره دباغ بود که در سال-های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی از مبارزان و جزو نزدیکان امام خمینی بودند و بعد از پیروزی انقلاب نیز از چهره‌های مهم و از بنیان‌گذاران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بودند. هر چهار نماینده زن دوره‌های دوم و سوم همچون دوره اول مجلس شورای اسلامی، از حوزه انتخابیه تهران بودند.

#### - دوره چهارم مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۵-۱۳۷۱)

در دوره چهارم مجلس شورای اسلامی تعداد نمایندگان زن با افزایش نسبی دو برابری همراه بود. در این دوره ۹ زن توانستند به مجلس راه یابند. مریم بهروزی (زعفرانی) تنها

نماینده زنی بود که از سه دوره پیش وارد این دوره شد. وی جزو معدود زنانی است که موفق شده تا امروز، به عنوان نماینده در چهار دوره مجلس شورای اسلامی حضور داشته باشد. در دوره چهارم مجلس شورای اسلامی بعد از ۱۴ سال که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذشت زنان برای اولین بار از شهرهایی غیر از تهران به مجلس شورای اسلامی راه می‌یابند. با این وجود اکثر نمایندگان زن یعنی ۵ نفر از آنان منتخب تهران و ۴ نفر بقیه از شهرستان‌ها به مجلس شورای اسلامی راه یافتند. از ویژگی‌های قابل توجه این دوره راهیابی خانم نفیسه فیاض‌بخش خواهر شهید محمدعلی فیاض‌بخش رئیس سازمان بهزیستی دولت رجائی با ۲۸ سال سن به مجلس بود که با اصلاحی که بعدها در قانون انتخابات مجلس انجام گرفت با افزایش حداقل سن نمایندگان به ۳۰ سال عنوان جوان‌ترین نماینده زن ادوار مجلس را به خود اختصاص داد. از دیگر ویژگی‌های این دوره ورود زنان به مجلس شورای اسلامی از مناطق مختلف کشور بود. در سه دوره قبلی مجلس شورای اسلامی، نمایندگان زن صرفاً منتخبین تهران بودند که در این دوره تعداد نمایندگان زن تهران به ۵ نفر افزایش یافت. از این دوره از شهرهای تبریز، مشهد و کرمانشاه، زنان نیز موفق شدند به عنوان نماینده به مجلس شورای اسلامی راه یابند. در چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی از شهر تبریز ۲ نماینده زن، از مشهد ۱ نماینده زن و از کرمانشاه ۱ نماینده زن انتخاب شدند.

#### - دوره پنجم مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۹-۱۳۷۵)

در پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۴ کاندیدای زن توانستند به عنوان منتخبین حوزه انتخابیه خود روانه مجلس شوند. در این دوره، تعداد نمایندگان زن نسبت به دوره‌های گذشته رشد بیشتری پیدا کرد. این دوره مجلس شورای اسلامی رکورددار حضور بیشترین تعداد نماینده زن در مجلس تا قبل از دوره دهم است. در دوره پنجم مجلس شورای اسلامی از میان بانوان؛ ۲ نفر از مشهد، ۲ نفر از اصفهان، ۱ نفر از همدان، ۱ نفر از ملایر و ۱ نفر از ارومیه موفق شدند به عنوان نماینده انتخاب شوند. از نکات قابل توجه این دوره برابری تعداد منتخبین زن تهران و شهرستان‌ها می‌باشد. ۵ نفر از این زنان سابقه نمایندگی در دوره‌های قبلی مجلس شورای اسلامی را داشتند و ۹ نفر بقیه برای اولین بار انتخاب می‌شدند. در این دوره خانم‌ها بی‌بی قدسیه علوی، نفیسه فیاض‌بخش، منیره نوبخت و مرضیه وحید دستجردی از دوره چهارم و خانم مرضیه حدیدچی (دباغ) از دوره‌های دوم و سوم سابقه نمایندگی در

مجلس شورای اسلامی را داشتند. فائزه هاشمی رفسنجانی دختر رئیس‌جمهور مستقر، فاطمه کروی همسر مهدی کروی رئیس دوره سوم و ششم مجلس شورای اسلامی، نیره اخوان بیطرف همسر دکتر حسن کامران نماینده ادوار مردم اصفهان و مرضیه صدیقی همسر سید غلامرضا شیرازیان نماینده مشهد از منتخبین این دوره بودند. در این دوره از مجلس، برای اولین بار خانم‌ها اخوان بیطرف و صدیقی با همسرانشان به صورت همزمان در کسوت نماینده در مجلس حضور داشته‌اند.

#### - دوره ششم مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

در ششمین دوره مجلس شورای اسلامی ۱۳ نامزد زن توانستند به عنوان منتخبین حوزه انتخابیه خود روانه مجلس ششم شوند. تعداد نمایندگان زن این دوره از دوره قبل ۱ نفر کمتر بود. از نکات قابل توجه این دوره پیشی گرفتن تعداد منتخبین شهرستانی از نمایندگان زن تهران می‌باشد. در این دوره برای اولین بار نمایندگانی از استان‌های اردبیل، فارس و بوشهر به مجلس راه یافتند. ۲ نفر از منتخبین دوره ششم یعنی خانم‌ها شهربانو امانی انگنه و سهیلا جلودارزاده سابقه نمایندگی دوره قبل را داشتند و بقیه برای اولین بار انتخاب می‌شدند. جمیله کدیور همسر عطاالله مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت خاتمی و وحیده علائی طالقانی دختر آیت‌الله طالقانی از منتخبین این دوره بودند.

شهربانو امانی انگنه به همراه سهیلا جلودارزاده اولین زنانی بودند که در طول تاریخ ادوار مجلس شورای اسلامی، برای اولین بار در این دوره به سمت منشی در هیئت رئیسه مجلس انتخاب شدند. در این دوره از مجلس، وحیده علائی طالقانی دختر آیت‌الله طالقانی و خواهر اعظم طالقانی، طاهره رضازاده همسر ابراهیم اصغرزاده از چهره‌های معروف اصلاح-طلب، جمیله کدیور خواهر محسن کدیور و همسر عطاالله مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت اول خاتمی توانستند به عنوان نماینده به مجلس ششم راه یابند. اعظم طالقانی و وحیده طالقانی دو خواهری هستند که تاکنون توانسته‌اند در دوره جمهوری اسلامی به عنوان نماینده در مجلس شورای اسلامی حضور داشته باشند.

#### - دوره هفتم مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۷-۱۳۸۳)

در هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی هم ۱۳ نامزد زن توانستند به عنوان منتخبین حوزه انتخابیه خود روانه مجلس شوند. ۴ نفر از این زنان سابقه نمایندگی دوره‌های قبل را

داشته و بقیه برای اولین بار به مجلس راه یافتند. در این دوره از مجلس خانم‌ها مهرانگیز مروتی و سهیلا جلودارزاده سابقه نمایندگی دوره ششم و خانم نیره اخوان بیطرف سابقه نمایندگی دوره پنجم و خانم نفیسه فیاض‌بخش سابقه نمایندگی دوره‌های چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی را داشته‌اند. اکثریت این مجلس با اصول‌گرایان بود. منتخبین تهران با ۷ نماینده اکثریت نمایندگان زن را به خود اختصاص داده بودند. در این دوره از مجلس، استان‌های زنجان و گیلان اولین نمایندگان زن خود را به مجلس فرستادند.

#### - دوره هشتم مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۷-۱۳۹۱)

در هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی ۸ نامزد زن توانستند به عنوان منتخبین حوزه انتخابیه خود روانه مجلس هشتم شوند. تعداد نمایندگان این دوره نسبت به دوره‌های هفتم و ششم کاهش یافت و سیر صعودی خود را از دست داد. تعداد نمایندگان زن از ۱۳ نفر دوره قبل به ۸ نفر کاهش یافت و از ۸ نفر منتخب این دوره، ۵ نفر از استان تهران، ۱ نفر از کرج، ۱ نفر از مشهد و ۱ نفر از اصفهان بودند. ۶ نفر از این نمایندگان سابقه حضور در دوره‌های قبل مجلس شورای اسلامی را داشتند و ۲ نفر برای اولین بار به این سمت انتخاب شدند که هر دو از تهران بودند. در این دوره از مجلس شورای اسلامی خانم‌ها فاطمه آجرلو، فاطمه آلیا، لاله افتخاری، فاطمه رهبر و عفت شریعتی کوهبنانی در دوره هفتم مجلس و خانم نیره اخوان بیطرف در دوره‌های پنجم و هفتم سابقه نمایندگی مجلس شورای اسلامی را داشتند. با توجه به این نکته که اکثریت مجلس هشتم از آن اصول‌گرایان بود در حوزه زنان نیز هر ۸ زن نماینده وابسته به جریان اصول‌گرایی بودند.

#### - دوره نهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۵-۱۳۹۱)

در نهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۹ نامزد زن توانستند به عنوان منتخبین حوزه انتخابیه خود روانه مجلس شوند که ۴ نفرشان سابقه نمایندگی دوره‌های قبل مجلس را داشتند و ۵ نفر برای اولین بار به مجلس راه یافتند. ۴ نفر از این زنان از حوزه انتخابیه تهران بودند که ۳ نفرشان یعنی خانم‌ها فاطمه آلیا، لاله افتخاری و فاطمه رهبر سابقه نمایندگی دوره‌های هفتم و هشتم مجلس شورای اسلامی را داشتند. در این دوره از مجلس نیز تعداد منتخبین زن شهرستانی از تعداد منتخبین تهرانی بیشتر بودند و خانم نیره اخوان بیطرف برای چهارمین بار موفق به راه‌یابی به مجلس شورای اسلامی شدند. در این دوره برای اولین بار از دو استان

سیستان و بلوچستان و مرکزی دو نماینده زن به مجلس راه می‌یابند. با توجه به اینکه اکثریت مجلس نهم در اختیار اصول‌گرایان قرار داشت به تبع این موضوع همه منتخبین زن این دوره نیز با گرایش اصول‌گرایی به مجلس راه یافتند.

#### - دوره دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۵-۱۳۹۹)

در مرحله اول انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی ۱۳ نفر و در مرحله دوم ۴ نفر از نامزدهای زن به نمایندگی مجلس دهم رسیدند. ضمن آنکه شورای نگهبان چند هفته پس از انتخابات مرحله اول مینو خالقی یکی از متخبین اصلاح‌طلب زن از حوزه انتخابیه اصفهان را رد صلاحیت کرده و آرای او را ابطال نمود و خالقی موفق به راه‌یابی به مجلس نشد. نهایتاً مجلس دهم با ۱۷ نماینده زن که ۱۴ تن از آنها گرایش اصلاح‌طلبی و اعتدال‌گرایی داشتند، شروع به کار نمود. از بین متخبین زن دوره دهم مجلس تنها یک نفر یعنی خانم سهیلا جلودارزاده سابقه نمایندگی در دوره‌های قبل مجلس را داشت و در این دوره، وی برای چهارمین بار موفق به راه‌یابی به مجلس شورای اسلامی شده بود و بقیه ۱۶ نماینده زن برای اولین بار توانستند به مجلس راه یابند. در این دوره تهران با اعزام ۸ نماینده زن به مجلس از بین ۳۰ نماینده تهران رکورد دوره‌های مجلس را از نظر تعداد نمایندگان زن شکست و این امر به وعده‌های سیاسی اصلاح‌طلبان مبنی بر افزایش سهم زنان از کرسی‌های مجلس ارتباط داشت و استان‌های قزوین و چهارمحال و بختیاری برای اولین بار نمایندگان زن خود را به مجلس شورای اسلامی فرستادند. در رابطه با انتساب به شخصیت‌های سیاسی می‌توان به این موارد اشاره نمود؛ خانم سیده فاطمه حسینی دختر سید صفدر حسینی، وزیر کار و اقتصاد در دولت دوم خاتمی و رئیس صندوق ذخیره ارزی در دولت اول روحانی، پروانه سلحشوری همسر برات قبادیان، معاون آموزش، پژوهش و فناوری وزارت صنعت، معدن و تجارت در دولت دوم روحانی و فاطمه ذوالقدر دختر مصطفی ذوالقدر نماینده ادوار دوم، سوم، هشتم و دهم مجلس شورای اسلامی از حوزه انتخابیه میناب. فاطمه ذوالقدر و مصطفی ذوالقدر پدر و دختری بودند که همزمان با هم نمایندگی حوزه‌های انتخابیه خود را در مجلس دهم داشتند. خانم‌ها زهرا ساعی، هاجر چنارانی و سمیه محمودی نیز فرزند شهید بودند.

#### - دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۳-۱۳۹۹)

در یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در مجموع ۱۶ زن توانستند به عنوان منتخبین حوزه انتخابیه خود روانه مجلس شوند. در رابطه با انتخاب نمایندگان زن بایستی به این نکته

اشاره گردد که در حوزه انتخابیه تهران در لیست اصول‌گرایان ۵ نامزد زن در بین ۳۰ نامزد معرفی شده بودند که هر ۵ نفر انتخاب شدند. خانم فاطمه رهبر نماینده ادوار مجلس که در دوره یازدهم نیز انتخاب شده بودند به دلیل ابتلا به بیماری کرونا در اسفند ۱۳۹۸ از دنیا رفتند و تعداد منتخبین زن این دوره به ۱۶ نفر کاهش یافت. ۴ نفر از این زنان سابقه نمایندگی دوره-های قبل مجلس شورای اسلامی را داشته و ۱۲ نفر بقیه برای اولین بار به مجلس راه یافتند. از نظر انتساب به شخصیت‌های سیاسی؛ خانم زهره‌سادات لاجوردی دختر اسدالله لاجوردی دادستان اسبق انقلاب تهران و خانم شیوا قاسمی‌پور دختر عبدالله قاسمی‌پور نماینده مریوان و سروآباد در پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی است. با انتخاب ۴ نفر نماینده زن، استان تهران کمترین میزان را در بین نمایندگان زن ادوار مجلس به دست آورد و استان‌های ایلام، کردستان، کرمان و لرستان برای اولین بار نمایندگان زن خود را به مجلس شورای اسلامی اعزام نمودند که بیان‌گر این امر است که در بین اقوام کرد و لر نیز زنان از امکان انتخاب شدن برخوردار گردیدند.

با بررسی پیشینه و اطلاعات نمایندگان زن در ۱۱ دوره مجلس شورای اسلامی می‌توان کلیات زیر را ارائه نمود:

- نمایندگان زن در دوره‌های اولیه مجلس، یا خود و همسرانشان دارای سوابق مبارزاتی در قبل از انقلاب بودند و یا سابقه حضور در جبهه و جنگ در بعد از انقلاب را داشتند (نظری، ۱۳۹۵: ۱۴۰).

- یکی از دلایل مهم انتخاب زنان در سه دوره اول مجلس شورای اسلامی در کنار سابقه مبارزاتی خود آنان، پیوندهای خانوادگی بوده است که خود این عامل باعث تقویت سرمایه اجتماعی این زنان می‌شد. از دوره چهارم به بعد هر چند پیوندهای خانوادگی در برخی موارد مشاهده گردید اما بیشتر انتخاب‌ها به دلیل پیوندهای اکتسابی و توانمندی‌های علمی، اقتصادی و دارا بودن سرمایه اجتماعی زنان بوده است.

- از تعداد کل نمایندگان زن در ۱۱ دوره مجلس شورای اسلامی (۷۷ نفر)، ۲ نفر دارای مدرک تحصیلی ششم ابتدایی و حوزوی، ۳ نفر دارای مدرک دیپلم و حوزوی، ۳ نفر دارای مدرک فوق دیپلم، ۸ نفر دارای مدرک کارشناسی، ۲۷ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۳۴ نفر دارای مدرک دکترای پزشکی و یا دکتری تخصصی بوده‌اند (به نقل از صفحه مرکز پژوهش‌های مجلس

شورای اسلامی). داشتن تحصیلات دانشگاهی به ویژه در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا باعث ارتقای جایگاه اجتماعی و به تبع آن افزایش سرمایه اجتماعی زنان می‌شود.

- در سه دوره اول مجلس شورای اسلامی یعنی در طی دوازده سال اول، زنان فقط از حوزه انتخابیه تهران توانستند به مجلس راه یابند ولی از دوره چهارم به بعد با ورود نمایندگان زن از کرمانشاه، آذربایجان شرقی و خراسان به مجلس شورای اسلامی زمینه ورود بانوان از نقاط مختلف کشور به مجلس فراهم تر گردید.

- در دوره‌های اول تا سوم، نمایندگان زن استان تهران ۱۰۰٪ کرسی‌های مجلس شورای اسلامی را به خود اختصاص دادند. در دوره چهارم با ورود چهار زن از شهرستان‌ها به مجلس شورای اسلامی، سهم استان تهران از کرسی‌های مجلس شورای اسلامی با داشتن پنج نماینده زن به ۵۵/۵٪ رسید. در دوره پنجم با افزایش تعداد بانوان به چهارده نفر کرسی‌های نمایندگان زن بین تهران و شهرستان‌ها تقسیم گردید و هر کدام ۵۰٪ کرسی‌ها را از آن خود کردند. در دوره های ششم و هفتم تعداد بانوان نماینده با کاهش محسوسی به سیزده نفر رسید که در این بین بانوان نماینده سایر مناطق کشور ۷ کرسی و نمایندگان زن تهران ۶ کرسی را به دست آوردند. در این دو دوره سهم زنان نماینده تهران از کرسی‌های مجلس شورای اسلامی به ۴۶٪ کاهش یافت. در دوره هشتم با کاهش چشمگیر تعداد کرسی‌های نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی روبرو هستیم. در این دوره از مجموع هشت کرسی نمایندگی که در اختیار بانوان قرار می‌گیرد تعداد پنج کرسی به نمایندگان زن تهران و سه کرسی به نمایندگان زن شهرستان تعلق می‌گیرد. در این دوره شاهد افزایش سهم زنان نماینده تهران به میزان ۶۲/۵٪ هستیم. در دوره نهم تغییر محسوسی در تعداد کرسی‌های زنان در مجلس شورای اسلامی نسبت به دوره قبل ایجاد نمی‌شود. از مجموع نه کرسی بانوان در مجلس، چهار کرسی به نمایندگان زن تهران و پنج کرسی به نمایندگان زن شهرستان‌ها تعلق دارد و سهم بانوان نماینده تهران به ۴۴/۵٪ کاهش می‌یابد. در دوره دهم با افزایش چشمگیر حضور زنان در مجلس شورای اسلامی روبرو هستیم. در این دوره از مجموع هفده کرسی تعلق گرفته به بانوان، هشت کرسی از آن نمایندگان زن تهران و نه کرسی از آن نمایندگان زن شهرستان‌ها می‌باشد. در این دوره سهم زنان نماینده تهران از کرسی‌های مجلس شورای اسلامی به ۴۷٪ رسید. در دوره یازدهم مجلس نیز با کاهش محسوس تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای



اسلامی روبرو هستیم. از مجموع شانزده کرسی تعلق گرفته به بانوان، تعداد چهار کرسی در اختیار بانوان نماینده تهران و تعداد دوازده کرسی در اختیار بانوان نماینده شهرستان‌ها قرار گرفت. در این دوره سهم زنان نماینده تهران از کرسی‌های مجلس شورای اسلامی با کاهش چشمگیر به ۲۵٪ رسید.

- از دوره چهارم مجلس شورای اسلامی به بعد با پررنگ‌تر شدن نقش جریانات سیاسی در انتخابات، قرار داشتن در لیست انتخاباتی یکی از جناح‌های مهم سیاسی کشور مخصوصاً در شهری چون تهران نقش به‌سزایی در رأی‌آوری بانوان داشته است. اوج این تأثیرگذاری در انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی بود. در این دوره برای اولین بار نام هشت زن در لیست سی نفره شهر تهران قرار گرفت و این بانوان به پشتوانه جناح خود توانستند به مجلس شورای اسلامی راه یابند. در این دوره از انتخابات در شهرستان‌ها نیز بانوانی که به دور دوم راه یافته بودند با حمایت اصلاح‌طلبان توانستند به مجلس شورای اسلامی راه یابند.

- تا دوره چهارم مجلس شورای اسلامی، تعداد کاندیداهای تأیید صلاحیت شده زنان به صد نفر هم نمی‌رسید اما از دوره پنجم به بعد شاهد افزایش چشمگیر کاندیداهای زن در انتخابات مجلس شورای اسلامی هستیم. اوج تأیید صلاحیت زنان در انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی بود.

- با تغییر شرایط عمومی جامعه و گرایش بیش از پیش بانوان به تحصیلات دانشگاهی، شاهد ارتقاء سطح علمی بانوان نماینده هستیم. به طوری که از دوره پنجم به بعد روز به روز بر تعداد بانوان نماینده با تحصیلات دکتری و دکترای تخصصی پزشکی افزوده شده است به گونه‌ای که در یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی از شانزده نماینده زن مجلس؛ هفت نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد، پنج نفر دارای مدرک دکترای پزشکی و چهار نفر دارای مدرک دکترای تخصصی هستند. طی یازده دوره مجلس شورای اسلامی، کمترین سطح تحصیلات نمایندگان زن در حد ششم ابتدایی و بالاترین میزان تحصیلات، دکترای فوق تخصصی بوده است. روند رو به رشد سطح سواد عمومی و تحصیلات زنان نماینده در ادوار مجلس نشان‌دهنده افزایش تأثیر سطح تحصیلات زنان بر روند انتخاب رأی‌دهندگان است. بررسی سطوح تحصیلات نمایندگان زن، حکایت از افزایش قابل توجه سطح تحصیلات آنان در دوره‌های آخر نسبت به دوره‌های نخست دارد.

- مجلس دهم با هفده نماینده زن دارای رکورد بالاترین حضور زنان در مجلس شورای اسلامی در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است به طوری که ۵/۸٪ کل نمایندگان را زنان تشکیل می‌دادند. کمترین میزان حضور زنان نیز مربوط به دوره اول مجلس شورای اسلامی بود که فقط ۱/۲٪ کل نمایندگان را تشکیل می‌دادند.

- در یازده دوره مجلس شورای اسلامی، تاکنون تنها دو نماینده زن توانسته‌اند به عنوان عضوی از هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی انجام وظیفه نمایند که این حضور بانوان به عنوان عضو هیئت رئیسه به دوره ششم مجلس شورای اسلامی محدود می‌گردد.<sup>۱</sup>

- زنان عموماً در سنین میانسالی خود به مجلس شورای اسلامی راه یافته‌اند. جوان‌ترین نماینده زن (نقیسه فیاض‌بخش) در سن ۲۷ سالگی به مجلس چهارم راه یافت و مسن‌ترین نماینده عفت شریعتی کوهبنانی در ۶۹ سالگی برای بار سوم در دوره یازدهم به مجلس شورای اسلامی راه یافت.

- از میان نمایندگان زن در یازده دوره مجلس شورای اسلامی؛ خانم مرضیه وحید دستجردی که نماینده دوره‌های چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی از حوزه انتخابیه تهران بود، در دولت دهم (دولت دوم محمود احمدی‌نژاد) به عنوان وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منصوب گردید. خانم الهام امین‌زاده نماینده دوره هفتم مجلس از حوزه انتخابیه تهران نیز در دولت یازدهم (دولت اول حسن روحانی) به عنوان معاون حقوقی رئیس‌جمهور در کابینه حضور داشت. زهره طیب‌زاده نوری پس از حضور به عنوان رئیس مرکز امور زنان و خانواده دولت نهم (دولت اول محمود احمدی‌نژاد)، موفق شد در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی به عنوان نماینده حوزه انتخابیه تهران به مجلس راه یابد.

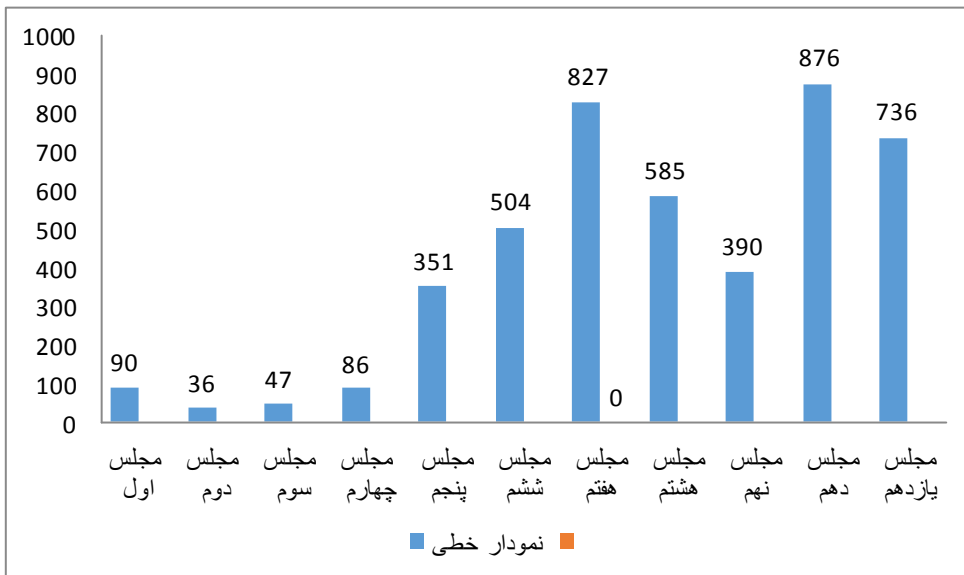
- از ۷۷ نماینده زن تا پایان دوره یازدهم، ۳ نفر سابقه چهار دوره نمایندگی مجلس، ۸ نفر سابقه سه دوره نمایندگی مجلس، ۹ نفر سابقه دو دوره نمایندگی و بقیه برای یک دوره سابقه نمایندگی مجلس شورای اسلامی را دارا بوده‌اند.

- برای اولین بار فراکسیون زنان در مجلس ششم تشکیل شد. در این فراکسیون بیشتر مسایل مختص زنان، خانواده و کودکان مورد توجه قرار گرفته است. از زمان تشکیل این

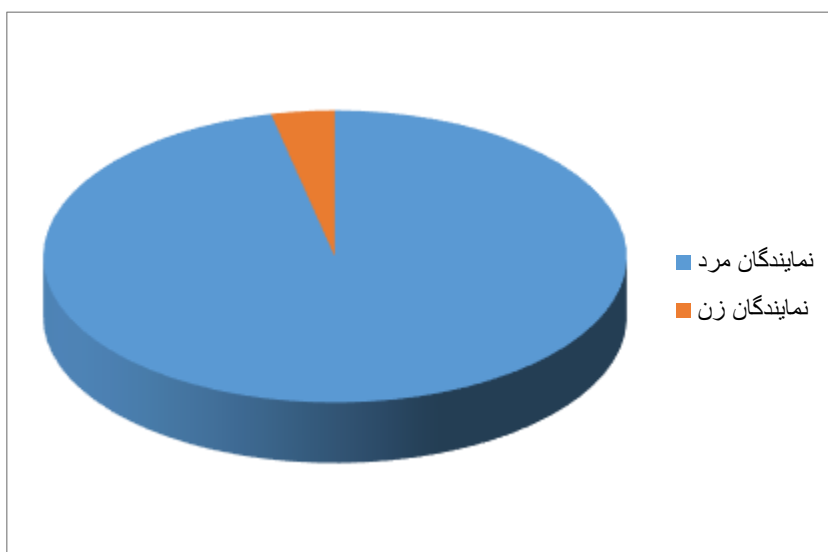
<sup>۱</sup>. مطالعات پارلمانی تطبیقی (۳)؛ جایگاه زنان نماینده از دوره اول تا نهم مجلس شورای اسلامی، صص ۶-۵.

فراکسیون، تمامی زنان نماینده عضو آن بوده‌اند، ولی در دوره نهم از ۹ نماینده زن مجلس، فاطمه آلیا و زهره طیب‌زاده‌نوری عضو این فراکسیون نشده‌اند.

نمودار ۱- نسبت نمایندگان زن به کل نمایندگان از دوره اول تا یازدهم مجلس شورای اسلامی



نمودار ۲- نسبت نمایندگان زن به مرد در ادوار مجلس شورای اسلامی



## نتیجه‌گیری

امروزه یکی از شاخص‌های اصلی سنجش توسعه انسانی در کشورهای مختلف جهان؛ میزان حضور، مشارکت و نقش زنان در امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مدیریتی است. به بیان دیگر، مهم‌ترین شاخص مشارکت سیاسی زنان، میزان حضور آن‌ها در نهادهای قدرت و مناصب سیاسی است. از عوامل موثر در مشارکت سیاسی زنان در نهادهای قدرت به ویژه مجلس شورای اسلامی برخوردار این قشر از جامعه از پارامتری تحت عنوان سرمایه اجتماعی است. به مدد سرمایه اجتماعی و حمایت‌هایی که از سوی افراد جامعه می‌شود زنان از این امکان برخوردار می‌شوند که خود را با تکیه بر توانمندی‌ها، تخصص و تعهد خود در معرض انتخاب شدن قرار دهند. برای آزمون مسأله انتخاب شدن زنان، در قدم اول بایستی زنان به این باور و یقین برسند که به عنوان یک انسان متخصص، توانمند و متعهد از سوی غالب افراد جامعه به رسمیت شناخته شده‌اند. زمانی که این باور در بین زنان پدید آید وارد عرصه‌های مبارزات انتخاباتی شده و برای ورود به نهادهای قدرت تلاش خواهند نمود و بی‌شک این حضور پرشور زنان در ایجاد قدرت نرم برای نظام جمهوری اسلامی ایران تأثیر به‌سزایی خواهد داشت. اما متأسفانه به دلیل عوامل متعددی چون عدم خودباوری زنان، شرایط فرهنگی، دسترسی محدودتر زنان به منابع اقتصادی، عدم حمایت خانواده، مشغله‌های متعدد زنان در حوزه خانواده و ... باعث شده است سهم زنان ایرانی از توزیع قدرت و کسب مناصب سیاسی بسیار اندک شود. در این بین نقش دولت‌ها برای افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی بسیار مهم می‌باشد.

با بهره‌گیری از نظرات «فوکومایا»، مهم‌ترین اقداماتی که می‌تواند توسط «دولت‌ها» به منظور تقویت سرمایه اجتماعی صورت گیرد، به اختصار عنوان می‌گردد:

- تشویق و تقویت تشکیل نهادهای مدنی
- تقویت و غنی‌سازی آموزش‌های عمومی
- تأمین امنیت شهروندان در جهت حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی
- پرهیز از تصدی‌گری بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و واگذاری فعالیت‌های مربوطه به نهادهای مردمی جهت جلب مشارکت آن‌ها در فعالیت‌ها
- زمینه‌سازی برای ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه‌های مبتنی بر اعتماد بین

## آحاد مختلف مردم

- امتناع دولت از اتخاذ رویکردهای تمامیت‌خواهانه و پرهیز از تفسیرهای حداکثری برای نقش خود در مدیریت یک جامعه که موجب حجیم شدن دولت می‌گردد،
- تنگ نکردن عرصه بر احزاب، سمن‌ها و تشکّل‌های مدنی فعال و مستقل و تأمین آزادی اعضای آن.

در نهایت، در ارتباط با سرمایه اجتماعی زنان نماینده می‌توان به دو نکته اشاره نمود. اول؛ رابطه زنان نماینده با شخصیت‌ها و چهره‌های معروف سیاسی است که خود این مسئله باعث ایجاد سرمایه اجتماعی و شناخته شدن این زنان می‌شود. نوع ارتباط زنان نماینده با این شخصیت‌ها و چهره‌های سیاسی به دو بخش سببی و نسبی تقسیم می‌گردد. در رابطه سببی می‌توان به جایگاه سیاسی همسران نمایندگان زن توجه نمود. نمایندگان زنی چون عاتقه صدیقی، پروین سلیحی، نیره اخوان بیطرف، فاطمه کروی، مرضیه صدیقی، جمیله کدیور، طاهره رضازاده و پروانه سلحشوری به دلیل داشتن همسران شناخته شده از شانس بیشتری برای حضور در لیست‌های انتخاباتی مورد حمایت احزاب و جریان‌های سیاسی مطرح کشور برخوردار بودند. در رابطه نسبی، ارتباط پدر - فرزندی و نیز ارتباط خواهر برداری در ایجاد سرمایه اجتماعی برای زنان نماینده می‌تواند تأثیرگذار باشد. نمایندگان زنی چون گوهرالشریعه دستغیب، اعظم علایی طالقانی، مرضیه وحید دستجردی، فائزه هاشمی بهرمانی، وحیده علائی طالقانی، عفت شریعتی کوهبنانی، سیده فاطمه حسینی، فاطمه ذوالقدر، زهره سادات لاجوردی، شیوا قاسمی پور، حلیمه عالی و نفیسه فیاض‌بخش از این ارتباطات نسبی برخوردار بودند. نکته دوم در خصوص سرمایه اجتماعی زنان نماینده، ارتباط آنان با احزاب و جریان‌های سیاسی است که قریب به اتفاق نمایندگان زن به واسطه حمایت احزاب و جریان‌های سیاسی موفق به راه‌یابی به مجلس شورای اسلامی شدند. در مجموع می‌توان عنوان نمود با افزایش اعتماد به نفس زنان، افزایش دسترسی‌های آنان به آموزش و منابع اقتصادی و نیز همراهی مردان و نهادهای قدرت، این قشر از جامعه توان ارتقا سرمایه اجتماعی خود را به دست خواهد آورد و به پشتوانه این سرمایه اجتماعی قادر به نقش‌آفرینی بیشتر و تاثیرگذاری عمیق‌تر در مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی خواهد بود.

## کتابنامه

- احدی فر، سعید (۱۳۷۴). درآمد‌های نفتی؛ توسعه و جهان سوم، تهران: نشر نظری.
- امیری، حکیمه (۱۳۹۵). خاطرات مریم بهروزی، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بشیری، حسین (۱۳۸۱). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- بقائی سرابی، علی؛ حق شناس، سمیه (۱۳۹۵). «تأثیر سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی در مواجهه زنان با رفتارهای غیراخلاقی»، پژوهشنامه زنان، دوره ۷، شماره ۱.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ زهدی گهرپور، محمد (۱۳۸۹). «بررسی جایگاه و نقش زنان خاورمیانه در مشارکت سیاسی»، زن و جامعه، سال اول، شماره ۱.
- تونیکس، فران (۱۳۸۷). اعتماد، سرمایه اجتماعی و اقتصاد، در اعتماد و سرمایه اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۸). دولت و جهانی شدن در خاورمیانه، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱). صحیفه نور، چاپ اول، جلد دوازدهم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ریزر، مارتین؛ هاریفر، کریستین؛ نووتی، توماس؛ والاس، کلر (۱۳۸۷). تحولات سرمایه اجتماعی: نگاهی به شواهد، ترجمه محمد مهدی شجاعی باغینی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- زمان زاده نصرآبادی، حمید (۱۳۸۷). نفت: نفرین یا موهبت؟، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تهران.
- سنگی، لیلا؛ فریدزاده، رضا (۱۴۰۰). کارآفرینی دانشگاهی در ایران، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تهران.
- شجاعی باغینی، محمد مهدی (۱۳۸۷). مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماع.
- عبدالهی، محمد (۱۳۸۳). «زنان و نهادهای مدنی؛ مسایل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران»، جامعه‌شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۲.

- فوزی، یحیی (۱۳۸۷). تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران ۱۳۵۷-۱۳۸۰، چاپ دوم، جلد اول، تهران: انتشارات عروج.
- مجیدی، محمدرضا (۱۳۸۹). آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران)، چاپ اول، قم: دفتر نشر معارف.
- محمدی‌نژاد، حسین (۱۳۹۲). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، تهران: اخوان.
- مطالعات پارلمانی تطبیقی (۳) (۱۳۹۲). جایگاه زنان نماینده از دوره اول تا نهم مجلس شورای اسلامی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- موثق، محمدرضا (۱۳۸۲). جایگاه مجلس شورای اسلامی در ساختار قدرت سیاسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.
- موحدی، بهناز (۱۳۸۰). زنان، توسعه و تعدد نقشها، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، تهران: انتشارات برگ زیتون.
- موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (۱۳۹۳). جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، چاپ پانزدهم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- نظری، منوچهر (۱۳۹۵). زنان در عرصه قانونگذاری ایران (۱۳۸۵-۱۳۹۵ش)، تهران: نشر کویر.
- ولکاک، مایکل؛ نارایان، دیپا (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی در مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی، ترجمه محمد مهدی شجاعی باغینی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- هابز، گرام (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی چیست؟، ترجمه محمد مهدی شجاعی باغینی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.